



بادستور رئیس قوه قضائیه:

اعزام به زندان تا زمان تأمین وثیقه و کفالت ممنوع شد

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه در حکمی هرگونه اعزام به زندان تا زمان تأمین وثیقه و کفالت را ممنوع کرد؛ دستوری که می‌تواند گامی مهم در راستای حبس‌زدایی و کاهش آسیب‌های زندان بر متهمان و خانواده آنان باشد. سال‌هاست...

صفحه ۳

شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۸ • ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۷ دسامبر ۲۰۱۹

تیتردو

فصل پاییزی روز دانشجو

جهانگیری: دانشجویان در شرایطی به استقبال این روز می‌روند که کشور روزهای تلخی را سپری کرده‌است

صفحه ۲

تیترها

رقابت از مشهد بر سر صندلی ریاست

صفحه ۶

بازداشت مدیران فاسد و پیام دریافتی مردم

صفحه ۱۳

با ویلموتس در میلان خدا حافظی شده نه ترکیه

یکی مثل برانکو که برانکو نیست!

صفحه ۱۴

اروپایی‌ها در نامه به دبیر کل سازمان ملل خواستار بررسی برجام در شورای امنیت شدند

قطع نامه جدید

خیلی دور خیلی نزدیک

صفحه ۱۵

حرف اول

به بهانه درگذشت حسین علیمیرادی، مؤسس و مدیرعامل مؤسسه «دست یاری به دشتیاری»

«نسل سبز» زنگارِ دِدا

داوود محمدی - روزنامه‌نگار



اختلاس، دزدی، دروغ، فریب، ریا، نفوذ، جاسوسی، خیانت، خودخواهی و... اینها کلیه‌واژه‌های آشکار و نهان رسانه‌ای است که به روا یا ناروا،

پازل سیمای ایران در ذهن ایرانیان و بیگانگان را ترسیم و تکمیل می‌کند. به‌راستی آیا این پازل‌ها روایتگر وضعیت ایران امروز ماست، شوربختانه باید اذعان کرد پاسخ تلخ این پرسش، «آری» است. اما آیا سیمای جمعی ایرانیان تا این حد زشت و کریه شده است؟ خوشبختانه باید تاکید کرد جواب شیرین این سؤال، «خیر» است. شاید آشناترین تصویر از پابندی ایرانیان به مسئولیت اجتماعی و نوع‌دوستی، همان بسیج عمومی و حضور گسترده و مؤثر مردم در کمکرسانی به هم‌وطنان خود در رخدادهایی مانند سیل و زلزله است اما ورا و فراسوی این نشانه آشکار، بخش دیگری نیز حاضر و فعال هستند که در نقطه کور توجه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفته‌اند؛ بخشی که شامل نسلی است که برخلاف نسل‌های پیشین ایدئولوژی و شعارهایی مانند «رهایی مستضعفان جهان» را کارآمد نمی‌دانند و به‌جای تمرکز بر اهداف دور از دسترس می‌کنند و «تبدیل کاخ سفید به حسینیه»، برداشتن گام‌های کوچک اما در دسترس را ترجیح می‌دهند. آنان «جامعه هدف» خود را در میان محرومان ایران‌زمین همانند کودکان کار، فقیران، زنان سرپرست خانوار، جاماندگان از تحصیل، محرومان از خدمات درمانی حیاتی و... جست‌وجو می‌کنند و با گردآمدن در تشکل‌های «مردم‌نهاد» می‌کوشند در حد توان خویش، از دردها و رنج‌های آنان بکاهند. «فعالیت مستمر»، «برنامه‌ریزی» و «سازماندهی» سه وجه تمایز اصلی این نسل با نیکوکاری است که در برهه‌های حوادث طبیعی، همانند باران بهاری ظاهر و پس از نزول توجه به ابعاد فاجعه، فروکش می‌کنند. هرچند، این بخش از ایران دربرگیرنده متولدان دهه‌های مختلف است اما به‌وضوح هویداست که حضور نسل جوان به‌ویژه متولدان دهه‌های ۷۰ به بعد در اردوگاه آنان بسیار پررنگ است و در این میان، دانشجویان، ستون فقرات این «نسل سبز» را تشکیل می‌دهند.

ادامه در صفحه ۲



«شرق» از حال و هوای منطقه ماهشهر بعد از اعتراضات بنزینی گزارش می‌دهد

ماهشهر پس از روز واقعه

صفحه ۵

تأثیر قیمت بنزین بر افزایش نرخ‌ها یکی از دغدغه‌های مهم مردم جنوب غرب کشور بود

اعتراضات فقط در جاده اصلی بود و زندگی در شهرهای منطقه جریان عادی داشت

در جریان اعتراضات مردم هیچ پمپ بنزین، بانک یا مرکز حساسی آتش نگرفته است

تمام پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر قابلیت تولید بنزین دارند

اصلاح طلبان برای مجلس آمدند

• دبیرکل حزب اتحاد ملت: برای حضور نمایانین و انتحاری نیامدم

• علی مطهری: عملکردم در مجلس خوب بود و گر نه نمی آمدم

• آذر منصوری: هیچ معجزه‌ای اتفاق نمی افتد مگر با پیگیری مطالبات مردم

صفحه ۲



یادداشت

تعارض منافع و مقابله دیر هنگام

گفته مدیرکل حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری این لایحه برای اولین بار در سال ۱۳۹۵ تهیه و برای بررسی و تصویب ارسال شده و از آن زمان تاکنون در حال رفت‌وبرگشت بین هیئت دولت، کمیسیون تخصصی مربوطه و معاونت حقوقی بوده است تا متن حاضر تهیه شود. از این‌رو می‌توان انتظار داشت فرایند تصویب آن در مجلس نیز زمان‌بر باشد. این در حالی است که جامعه ما هر روز بابت رفتار رانت‌جویانه برخی دست‌اندرکاران و متنفذان که منافع شخصی و حزبی‌شان با منافع ملی کشور در تعارض است، متحمل خسارات هنگفت می‌شود. بنابراین اولین سؤالی که به ذهن‌خطور می‌کند، این است که آیا تعارض منافع قدرتمندان با منافع کشور نقشی در این تأخیر خسارت‌بار نداشته است؟ و به بیان دیگر آیا صاحبان منافع هنگفت برای جلوگیری از به‌خطرآفتادن منافع خود، عمداً این جریان را با تأخیر مواجه نکرده‌اند؟

۲. متن لایحه در تعریف پدیده تعارض منافع فقط به منافع شخصی اشاره شده است. آیا این احتمال وجود ندارد که منافع گروهی و حزبی فرد با منافع و مصالح ملی در تعارض باشد؟ به‌عنوان بارزترین نمونه، مصلحت جامعه در این است که درصد مشارکت مردم در انتخابات به بالاترین سطح ممکن برسد؛ اما ممکن است یک گروه خاص کاهش درصد مشارکت را به نفع دیدگاه سیاسی خود بداند و با استفاده از نفوذ خود در ارکان تصمیم‌گیری شرایطی را فراهم بیاورد که این نرخ کاهش یابد. در این ماجرا ممکن است اصلاً نفع شخصی فرد متنفذ (حقاقل در کوتاه‌مدت) مطرح نباشد...

چندروز پیش سخنگوی دولت خبر از تصویب لایحه مدیریت تعارض منافع در دولت و فراهم‌شدن مقدمات ارسال آن به مجلس داد. بی‌تردید این اتفاق را باید گامی به جلو دانست؛ چراکه بی‌توجهی به مبحث تعارض منافع خسارت‌های فراوانی برای کشور به بار آورده و رانت‌های نجومی نصبی برخی خواص کرده و به‌قول‌معروف جلوی ضرر را از هرکجا بگیریم، منفعت است. طبعاً حقوق‌دانان اهل فن متن لایحه را بررسی کرده و ضعف‌ها و قوت‌های آن را بازگو خواهند کرد و مباحثات کارشناسانه و نیز تجربه‌ای که در مرحله اجرا به دست خواهد آمد، مقدمات اصلاح، بازنگری و دستیابی به متن قانونی کارآمد و مؤثر را فراهم خواهد کرد. در این یادداشت فقط به چند نکته مهم مرتبط با این پرونده اشاره می‌شود:

۱. نکته‌ای که در همین ابتدا جلب‌توجه می‌کند، این است که چرا تا این حد دیر به فکر «مدیریت تعارض منافع» افتاده‌ایم؟ آیا در بین متولیان امر در قوای سه‌گانه کشور فردی نبود که توجه آنان را به اهمیت این مقوله جلب کند یا حداقل آنان را از فواید شنیدن نظرات خبرکان و اهل فن در این میدان مطلع کند تا با مراجعه به تجربه کشورهایی که در مسیر مبارزه با فساد قدم‌های جدی برداشته و فرسنگ‌ها از ما جلو افتاده‌اند، بییش‌ازاین از این امر غافل‌نمانیم؟ به

ادامه در صفحه ۲

«وَالسَّلَامُ عَلَى يَوْمٍ وَلَدَتْ وَيَوْمَ أُمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» «مریم-۳۳»

سلام بر او روزی که پا بر این دنیا نهاد و سلام بر او روزی که از میانمان رفت...

اعظم طالقانی چنان زیست که در مماتش هم، حیات و زندگی از خود بر جای گذاشت و عزیزی که در این رفتن بدرقه‌اش کردند گواهی بر این معنا بودند. از همه دوستان، شخصیت‌ها، احزاب، گروه‌ها و مسئولانی که با پیام‌هایشان تسلی خاطرمان شدند یا با شرکت در مراسم وداع با عزیزمان، از تشییع و تدفین تا مجلس بزرگداشت یادش، همراهی‌مان کردند تشکر کرده و مراتب قدردانی خود را از برگزاری مراسم یادبود در شهرهای مختلف داخل و خارج کشور اعلام می‌داریم. باشد تا امیدش برای فردایی آباد و آزاد محقق گردد و روحش با صلحا مشحور باد.

خانواده آیت‌الله طالقانی

گفت‌وگو با حسن قاضی‌مرادی درباره سیدجواد طباطبایی

ردیه‌ای بر ادعاینامه‌نویسی

گروه اندیشه: سیدجواد طباطبایی یکی از بحث‌برانگیزترین کارشناسان علوم سیاسی و تاریخ ایران است که هوادار و منتقد بسیار دارد. تقریباً اکثر روشنفکران و متفکران مستقل ایران از جریان‌های مختلف فکری، از حمید عنایت...

صفحه ۸

سال هفدهم • شماره ۲۵۹۰ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

خط مقدم سیاست

احمد غلامی - سردبیر



سخنان هفته اخیر رئیس‌جمهوری درباره بی‌خبری از زمان اعلام افزایش بنزین و تهدید و شناسایی معترضان توسط دوربین‌های مداربسته در سطح شهر، واکنش‌های منفی بسیاری را در داخل و خارج برانگیخت. این سخنان چه خواسته و چه ناخواسته بر زبان آمده باشد، نتیجه‌ای یکسان دارد و آن چیزی نیست جز تحریک مردم و حتی مسئولان دولتی. اما این اظهارنظرها بیش از اینکه به روحانی آسیب بزند که می‌زند، به نهاد انتخابی ریاست‌جمهوری و باور مردم به این نهاد لطمه می‌زند. خاصه اینکه مجلس هم یکی دیگر از رکن‌های اساسی نهادهای انتخابی کشور در بی‌خبری و انفعال در برابر افزایش قیمت بنزین با بحران مقبولیت روبه‌رو شده است و از سوی دیگر تصمیم زود هنگام برخی از نمایندگان مجلس برای استعفا و بعد صرف‌نظرکردن از استعفا، تیر خلاص را به این نهاد انتخابی زد. نهاد ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تهران، از نهادهایی هستند که در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی و علی لاریجانی و محسن‌هاشمی اعتبار و جایگاه خود را از دست داده‌اند و ناگفته‌نیایدست این نهادها اغلب در دست اصلاح‌طلبان بوده و یکی از نقاط قوت آنان به شمار می‌آمده است. به جرئت می‌توان گفت هیچ نهاد انتصابی‌ای در اختیار اصلاح‌طلبان نیست و همین نکته در رقابت‌های سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر اصلاح‌طلبان بیش از اصولگرایان چهره مردمی دارند، یکی از دلایل آن این است که آنان اغلب مسندنشین نهادهای انتخابی بوده‌اند. پس عملکرد نسنجیده اصلاح‌طلبان در ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای نا‌متنا آنان را تضعیف می‌کند بلکه از شان و منزلت این نهادها نزد مردم می‌کاهد و این جهسبا خسارت‌بارتر از تضعیف اصلاح‌طلبان باشد. چون آنچه از دست می‌رود، مفهوم انتخابات، رأی مردم و نهادهای انتخابی است که خط مقدم سیاست‌اند. هرگونه رفتار نامتعارف رؤسای جمهور و نمایندگان و عملکرد نامناسبشان در آینده دموکراسی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. خاصه آنکه نهادهای انتصابی در ماه‌های اخیر و در برخورد با معترضان مواضعی معتدل‌تر داشته‌اند. برای نمونه می‌توان از مواجهه مناسب شورای نگهبان با انتقادات جریان‌های سیاسی به این نهاد و برخورد مناسب‌تر قوه قضائیه با معترضان نسبت به موارد مشابه نام برد. مسئله اینجا رقابت نیست، نهادها نیست، مسئله اصلی سطح انتظارات مردم از نهادهای انتخابی و انتصابی است که قابل مقایسه با دیگران نیستند. بدیهی است مردم تحقق مطالبات خود را بیش از هر نهاد دیگری از متتخبان خود طلب می‌کنند. انکارناپذیر است که وضعیت کنونی حاصل عملکرد دولت‌ها و نهادهای رسمی است که جامعه مارکس مدنی را به انزوا کشیده‌اند. در انزوا جامعه مدنی با قدرت‌های پراکنده‌ای روبه‌رویم که هر یک تلاش می‌کنند جایگاه پراهمیت‌تری را به خود اختصاص دهند. نکته تأمل‌برانگیز این است که جامعه مدنی مترادف جامعه نیست، جامعه مدنی بخش مهندسی‌شده یک جامعه با یک میدان نیرو است و نه همه آن جامعه. جامعه مدنی و دولت یکدیگر را تقویت و کاه تضعیف می‌کنند و همواره رقابت‌هایی بین جامعه مدنی و دولت وجود دارد و در فرایند این کش و واکش‌هاست که بحران‌ها تعدیل می‌شوند. نزد هگل جامعه مدنی اهمیت ویژه‌ای دارد و این جامعه مدنی است که باعث ایجاد دولت می‌شود. اما مارکس نگاهی انتقادی به جامعه مدنی هگل دارد و آن را مفهومی مادی می‌داند که کار آن صرفاً دفاع از منافع مالکان و حقوق ویژه آنهاست. اما دیدگاه گرامشی درباره جامعه مدنی و فقدان آن در جامعه با وضعیت کنونی ما مطابقت بیشتری دارد.

ادامه در صفحه ۲

تقدیر و تسکر

به این وسیله بر خود لازم می‌دانم از تمامی عزیزانی که در جریان غم از دست‌دادن فرزند عزیزم مرحوم سیدعمادالدین تقوی با شرکت در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم و یادبود آن عزیز سفرکرده به صورت حضوری یا با درج آگهی و ارسال تاج گل ابراز همدردی کرده‌اند، سپاسگزاری کنم. با این امید که در شادی‌ها به اتفاق خانواده پاسخ‌گوی الطاف و محبت‌های تمامی بزرگواران باشم.

سیدعباس تقوی